



## بیانات در دیدار دست‌اندرکاران دومین کنگره ملی شهدای ورزشکار - 18 / مهر / 1401

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید عزیزان ما و در این گزارشهایی که داده شد، خبرهای خوشی هم با خودتان آوردید. خیلی متشکریم از اینکه این کنگره‌ی بزرگ و پرمعنی را ایجاد کردید و امیدواریم که این زحمات شما و نیات صادقانه‌ای که انسان میبیند در جمع وجود دارد، مورد توجه پروردگار و تأیید حضرت بقیة الله ان شاء الله قرار بگیرد. تشکر هم میکنم از این برادران عزیزی که مدالهایشان را به ما لطف کردند. من قصد داشتم از سازندگان فیلم «مستطیل قرمز» ( ۲ ) تشکر کنم در این صحبت - من البته فیلم را ندیدم، اما شنیدم - که خب الحمدالله حالا اینجا تشریف دارند. این کار باید انجام بگیرد؛ یعنی این کار تولید هنری و بیان هنری این حقایقی که گفتید، اینها خیلی مهم است، بایستی انجام بگیرد. این دو نفر آقایان این کار را انجام دادند و شنیدم که در تلویزیون هم نسبت به یک تعدادی از قهرمانان شهید کارهایی ساخته شده. به هر حال، این کار، کار مهمی است و بایستی دنبال بشود.

من امروز دو مطلب را عرض میکنم: یک کلمه در باب شهیدان و شهادت و این کاروان پُرشکوه شهیدان عزیز ورزشکار، یک کلمه هم در باب اصل ورزش. مسئله‌ی ورزش یک مسئله‌ای است که نباید در حاشیه قرار بگیرد؛ بایستی به عنوان متن روی آن تکیه بشود که من حالا چند جمله را عرض خواهم کرد.

درباره‌ی شهیدان، در دو جای قرآن تصریح شده که شهیدان مرده نیستند، زنده‌اند؛ این دیگر با صراحت است. یکی در سوره‌ی بقره است: «و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء»؛ ( ۳ ) به اینهایی که در راه خدا کشته میشوند مرده نگوئید، اینها زنده‌اند. دیگر از این واضح‌تر، روشن‌تر؟ یکی هم در سوره‌ی آل عمران: «و لا تحسبن الذين قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء»؛ ( ۴ ) تصریح شده. حالا اینکه حیات شهدا چگونه حیاتی است، یک بحث دیگری است؛ یقیناً متفاوت است با حیات زندگی مادی ما و متفاوت است با حیات برزخی‌ای که خیلی از افراد دیگر هم در برزخ روحشان فعال است و زنده است به یک معنا؛ این هم نیست؛ یک چیز سوّمی است و به هر حال یک حقیقت مهمی است که قرآن به آن تصریح میکند.

خب، این زنده بودن یک لوازمی دارد؛ یکی از لوازم زنده بودن تأثیرگذاری است؛ پس شهدا تأثیرگذارند. چون زنده هستند، تأثیرگذارند در محیط زندگی زندگان؛ روی ما دارند اثر میگذارند، روی ما دارند کار میکنند. این هم در خود آیه‌ی شریفه آمده؛ دنباله‌ی همین آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی آل عمران این است که «و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون». ( ۵ ) حالا در «الا خوفٌ علیهم»، [اگر] این ضمیر «علیهم» را برگردانیم به خود آنها یا به ما که در این دنیا هستیم، فرقی نمیکند؛ نتیجه‌اش این است که دارند به ما میگویند راه مجاهدت در سبیل الله ممکن است دشواری‌هایی داشته باشد - خب دشواری‌هایی دارد - اما عاقبت بسیار خوبی دارد؛ در پایان این راه، در انتهای این راه، نه ترس هست، نه اندوه هست؛ خیلی مهم است. حالا یک مشکلی را انسان تحمل میکند، اما در پایان این راهی که شما میروید «لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون»؛ نه ترس هست، نه اندوه هست؛ این دو عامل، دو عامل ایداع‌کننده‌ی انسانند دیگر؛ این حرف صریح قرآن با ما است. در واقع، این خیل عظیم شهیدان



دارند به ما دلگرمی میدهند؛ آن جامعه‌ی مؤمنی که می‌خواهد در راه خدا قدم بردارد و طبق رضای خدا کار کند، با این پیغام شهیدان – که پیغام‌آورش هم خود خدا است – دلگرم می‌شود، می‌فهمد که میتوان در این راه با امید حرکت کرد و پیش رفت. خب، این دلگرمی هم به ما حرکت میدهد، به ما تلاش میدهد که حالا نمونه‌هایی را شماها گفتید، یک اشاره‌ای هم ممکن است من ان شاءالله در وسط صحبت بکنم.

در دوران نظام اسلامی، جهت‌گیری کشور در مجموع به طوری بود که جهاد فی‌سبیل‌الله و شهادت فی‌سبیل‌الله جاذبه پیدا کرد؛ قبلاً این جور نبود. ما دوره‌ی قبل از پیروزی انقلاب را کاملاً درک کردیم دیگر؛ نصف عمر بنده در آن زمانها گذشته و همان زمان هم خب خدا کمک کرده بود در این راه حرکت می‌کردیم، اما این جاذبه‌ی جهاد فی‌سبیل‌الله و جاذبه‌ی شهادت فی‌سبیل‌الله که در دوره‌ی نظام اسلامی وجود دارد، آن وقت وجود نداشت. این جاذبه موجب می‌شود که همه‌ی قشرهای اجتماعی، همه‌ی لایه‌های اجتماعی به سمت جهاد شوق پیدا کنند و کسانی که دارای استعداد هستند، دارای آمادگی روحی هستند، بروند به سمت میدانهای جهاد، از جمله شهدای ورزشکار و مجاهدین ورزشکار.

قشر ورزشکار یک قشر اثرگذاری است؛ ورزشکار اثرگذار است؛ شخصیت او، حرکت او، اقدام او در جامعه با یک آدم معمولی تفاوت میکند؛ بخصوص ورزشکاری که جلوه‌ای پیدا کند، برجستگی‌ای پیدا کند، این روی یک عده‌ای اثر می‌گذارد. حالا اگر چنانچه این ورزشکار میل به جهاد پیدا کرد و در راه جهاد حرکت کرد، شما ببینید چه تأثیرات مهمی را میتواند در جامعه بگذارد، چه حرکتی میتواند ایجاد کند! خوشبختانه این حرکت ایجاد شد، به برکت همین پنج هزار و خرده‌ای شهید شما. در بین این پنج هزار و خرده‌ای، ورزشکارهای نخبه و حرفه‌ای و قهرمانها هم کم نبودند؛ شاید بیش از هزار تن از این شهدا جزو ورزشکارهای حرفه‌ای قهرمان و برخوردار از رتبه‌های بالای ورزشی بودند، در همه‌ی رشته‌ها. حالا من در این نمایشگاهی که اینجا بود دیدم نوشته‌اند «در ۳۳ رشته»؛ به هر حال، تا آنجایی که حالا ما اطلاع داریم و بنده آشنا هستم، از رشته‌های مختلف ورزشی کسانی رفتند. اینها حالا خودشان رفتند روی سکوی قهرمانی در عالم ملکوت – که از سکوی قهرمانی دنیا خیلی بالاتر است – خودشان این ترقی بزرگ را کردند، اما دیگران را هم دنبال خودشان کشاندند.

امروز محیط ورزشی ما خوشبختانه متأثر از همین معنویتی است که شهدای عزیز ورزشکار ما در جامعه ایجاد کرده‌اند؛ این معنویت، امروز در محیط ورزشی ما هست. البته در همه‌ی محیطها همه جور آدم هست؛ در محیط روحانیت هم همه جور آدمی هست، در محیط ورزش هم هست، اما فضای ورزشی کشور، در مجموع، امروز با گذشته خیلی فرق دارد؛ جلوه‌های تدین، جلوه‌های پایبندی، جلوه‌های معنویت، اینهایی که بنده مکرر در صحبتها به مناسبتی گفته‌ام و حالا هم بعضی‌هایش را آقایان گفتند، [فراوان است]: آن بانوی شجاع و باایمانی که روی سکوی قهرمانی [وقتی] مرد بیگانه دست دراز میکند، دست نمیدهد یا در مقابل چشم میلیون‌ها انسانی که خیلی از اینها تربیت شده‌اند برای اینکه ضد حجاب و ضد عفت زن حرکت نکنند و حرف بزنند، آنجا با چادر و با حجاب اسلامی می‌ایستد؛ یا آن جوان قهرمانی که مدال قهرمانی‌اش را به خانواده‌ی شهدا اهدا میکند؛ یا آن ورزشکار باایمانی که بعد از اینکه در ورزش خودش – حالا یا کشتی یا وزنه‌برداری یا هر ورزش دیگری – پیروزی به دست آورد، به جای تبختر (۶) به خاک می‌افتد و خدا را سجده میکند یا اسم ائمه‌ی هدی را می‌آورد. اینها چیزهای مهمی است؛ ماها گاهی یک مقداری عادت میکنیم به یک چیزی، اهمیّت و عظمت کار از چشممان میرود. این پدیده‌ها در این دنیای امروز، دنیای مادیگری، دنیای فساد، پدیده‌های عجیبی است.



بنده عرض میکنم آن کسانی که میخواهند ملت ایران را درست بشناسند، روی این پدیده توجه کنند؛ معنا دارد اینکه جوان ورزشکار ما که جلوی چشم میلیون‌ها و گاهی صدها میلیون [نفر] روی سکو میرود، این جور به معنویت و به خدا و به اولیای خدا اظهار ارادت میکند. اینها را ببینند؛ اینها خیلی معنادار است برای شناخت ملت ایران و اعماق معنوی و روحی و اخلاقی ملت ایران. خب، این یک شاخص است و بالاخره یک شاخص مهمی است. حالا در همین راه‌پیمایی اربعین هم که امسال هیئتهای ورزشی رفتند، خبرهای خوبی از آنها برای بنده نقل کردند، از [جمله] اظهار ارادتشان به امیرالمؤمنین در نجف؛ خب اینها خیلی باارزش است، این محیط معنوی خیلی مهم است. بالاخره یکی از برکات مجاهدت فی سبیل الله همین است که معنویت را به لایه‌های گوناگون اجتماعی تزریق میکند؛ یعنی شما ورزشکار یا مدیر ورزشی وقتی مقید باشید به پاره‌ای از التزامات معنوی و دینی، فقط خودتان بهره نمیبرید، کسان زیادی از شما بهره میبرند - در درجه‌ی اول، در خود محیط ورزش و بعد هم در محیط عمومی مردم - و این کارها کسان مستعد را وارد میدان معنویت میکند و جاژه را باز میکند. به هر حال، میدان جهادی که مقابل ملت ایران است هر روز یک جوری است: یک روز به صورت دفاع مقدس بود، یک روز به صورت دفاع از حرم بود، امروز هم میدانهای جهاد به صورتهای مختلف جلوی ما باز است؛ به نظر من در همه‌ی اینها حضور جهادی افراد شاخص و چهره‌ها در میان جامعه، تأثیرات زیادی دارد و خیلی باارزش است. این راجع به مسئله‌ی شهدا و شهادت.

اما در مورد ورزش، علت اینکه من بخصوص راجع به ورزش صحبت میکنم اهمیت ورزش است؛ هم ورزش همگانی و عمومی - که ما همه را توصیه میکنیم - هم ورزش حرفه‌ای و قهرمانی؛ اینها مهم است، اینها جزو حواشی و نوافل زندگی اجتماعی نیست، جزو بخشها و خطوط اصلی زندگی اجتماعی است.

من در مورد ورزش همگانی همیشه تأکید کرده‌ام، باز هم تکرار میکنم؛ همه ورزش کنند. در این زندگی ماشینی و کم‌تحرک امروز، حالا ما پیرمردها به کنار، واقعاً جوانها هم تحرکی ندارند! سوار ماشین میشوند از اینجا میروند آنجا پیاده میشوند، سوار آسانسور میشوند میروند بالا؛ هیچ تحرکی وجود ندارد. در یک چنین محیطی، ورزش دیگر یک امر مستحبی نیست، یک امر لازم و یک امر واجب است برای همه. البته نوع ورزش برای امثال بنده و افرادی که سنینی مثل سنین ما دارند یک جور است و برای جوانها، برای میان‌سالها، یک جور دیگر است، اما همه باید ورزش کنند؛ ورزش همگانی را نباید ترک کرد. این، هم برای سلامت جسمی خوب است - ورزش موجب سلامت جسم است؛ این عوارضی که برای جوانها گاهی پیش می‌آید و انسان حیرت میکند که یک جوانی سکتته میکند، خیلی از این عوارض ناشی از همین عدم تحرک است - هم برای نشاط ذهنی و روحی خوب است. ورزش نشاط‌آور است؛ هر کاری که شما مشغول هستید، کار دستی، کار فکری، کار اداری، کار علمی، اگر ورزش کنید، آن کار را بهتر انجام میدهید؛ یعنی نشاط ذهنی‌تان بیشتر میشود و بهتر میتوانید آن را انجام بدهید. البته فواید دیگری هم دارد که حالا در مقام [بیان] آن نیستیم.

اما ورزش حرفه‌ای و مسابقات ورزشی و قهرمانی؛ این هم خیلی مهم است. یکی از موجبات اهمیت ورزش قهرمانی این است که ورزش قهرمانی وقتی که به وجود آمد، ورزش همگانی را ترویج میکند؛ یکی از عللش این است. قهرمان ورزشی وقتی که شناخته میشود و ظاهر میشود در مقابل چشم مردم، آن جوان را تشویق میکند به ورزش کردن؛ این یکی از فواید ورزش حرفه‌ای و قهرمانی است؛ البته فقط این نیست، فواید زیاد دیگری هم دارد. یکی از فواید دیگرش این است که ورزشهای قهرمانی مایه‌ی افتخار ملتی‌اند. در ورزش قهرمانی، وقتی که شما در یک رقابت ورزشی جهانی شرکت میکنید و در آنجا پیروزی به دست می‌آورید و شاخص میشوید، این ملت احساس خرسندی



میکند، احساس سرافرازی میکند؛ این خیلی چیز مهمی است. به این کسانی که مایه‌ی خرسندی مردم میشوند در ورزشهای گوناگون – حالا چه ورزشهای شخصی و فردی، چه ورزشهای دسته‌جمعی که در دنیا معمول است – واقعاً باید تبریک گفت، باید تشکر کرد؛ بنده از همه‌ی آنها تشکر میکنم؛ مردم را خوشحال میکنند، مردم را خرسند میکنند، مایه‌ی سرافرازی میدهند.

این پیروزی در میدانهای ورزشی یک تفاوتی با پیروزی‌های دیگر دارد. خب ملت ما و هر ملتی بالاخره در میدانهای گوناگون زندگی هم پیروزی‌هایی دارد؛ در میدان امنیتی پیروزی‌هایی داریم، در میدان علمی پیروزی‌هایی داریم، در میدان سیاسی پیروزی‌هایی داریم، در میدانهای تحقیقاتی پیروزی‌هایی داریم، در انواع و اقسام میدانها پیروزی‌هایی داریم، اما این پیروزی‌ها جلوی چشم مردم دنیا نیست. بعضی‌ها را عمدتاً پنهان میکنیم؛ کسی پیروزی امنیتی داشته باشد در کشوری، آشکار نمیکند اینها را، پنهان میکنند پیروزی امنیتی را. بعضی از پیروزی‌ها را پنهان نمیکنیم، اما دشمن در آن خدشه میکند، مثل پیروزی‌های علمی. این کارهای علمی مهمی که انجام دادند، مدتها عوامل دست‌آموز دشمنان ما در حرفه‌ایشان و نوشته‌هایشان انکار میکردند که نخیر، چنین اتفاقی نیفتاده؛ یعنی قابل خدشه است، میشود خدشه کرد. یا دیر فهمیده میشود یا جاذبه‌ای برای مردم خیلی ندارد. پیروزی در میدان ورزش این جوری نیست؛ پیروزی‌آنی است با اطلاع‌آنی؛ همان لحظه‌ی پیروزی شما، میلیون‌ها نفر، گاهی صدها میلیون نفر، پیروزی را به چشم خودشان می‌بینند؛ این خیلی پیروزی مهمی است دیگر؛ این خیلی مهم است و بر خلاف پیروزی‌های دیگر، قابل کتمان نیست. حالا گاهی ناداوری‌هایی انجام میگردد، غرض‌ورزی‌هایی انجام میگردد، در همین میدان هم گاهی اوقات دشمنها یک کارهایی میکنند، اما غالباً نمیتوانند؛ غالباً پیروزی، پیروزی واضح و آشکاری است که خب شما می‌بینید تأثیراتش هم خیلی زیاد است و دوستان شما را هم در دنیا خوشحال میکند.

در یکی از این مسابقات ورزشی ما، من اطلاع پیدا کردم – یعنی به من خبرهای دقیق دادند – در چند کشور اسلامی از کشورهای عربی که نمیخواهم اسم بیاورم، مردم جمع میشدند پای تلویزیون تماشا میکردند این مسابقه را و بمجرد اینکه دیدند ایران پیروز شد، شروع کردند جشن و پایکوبی در خیابان در منظر عام که ایران مثلاً بر فلان کشور قدرتمند سیاسی مودی خبیث پیروز شد! این جوری است دیگر؛ این پیروزی جلوی چشم همه است. پس اینجا ورزشکار ایرانی با رفتار خودش میتواند این پیروزی فتنی را با پیروزی ارزشی همراه کند. نکته‌ی اساسی این است؛ یعنی شما وقتی که مثلاً در فلان مسابقه پیروز شدید، پیروزی فتنی به دست آورده‌اید، اما همین پیروزی فتنی را میتوانید توأم کنید با یک پیروزی ارزشی و اخلاقی، مثل ورزش جوانمردانه، مثل همین کارهایی که این خانمهای ورزشکار ما انجام میدهند؛ یعنی حفظ حجاب اسلامی و رعایت حدود اسلامی و اعتماد به نفسی که نشان میدهند. این یک پیروزی خیلی بزرگی است؛ این از آن پیروزی فتنی اگر مهم‌تر نباشد، کمتر نیست.

لذا من توصیه‌ی مؤکد میکنم که به ورزشکاران عزیزمان سفارش بشود که در میدانهای ورزشی، این جنبه‌ی از پیروزی را از یاد نبرند، مواظب باشند ارزشها برای خاطر مدال زیر پا نرود. گاهی اوقات انسان از مدال هم محروم میماند، ورزشکار ما با طرف فرستاده‌شده‌ی از طرف رژیم غاصب مسابقه نمیدهد و از مدال محروم میشود، ولیکن پیروز است. اگر کسی این اصل را زیر پا بگذارد، معنایش این است که برای خاطر به دست آوردن پیروزی فتنی و ظاهری، آن پیروزی اخلاقی را زیر پا له کرده. شما اگر چنانچه با او مسابقه بدهید، با او روبه‌رو بشوید، در واقع آن رژیم غاصب را، [آن] رژیم کودک‌کش و جلاد را به رسمیت شناخته‌اید. بنابراین، هر چه منافع هم داشته باشد نمی‌ارزد که انسان [با او مسابقه بدهد]. سردمداران استکبار و دنباله‌روان و در واقع نوکران قدرتهای بزرگ جهانی، اینجا فوراً صدایشان بلند



میشود که «آقا، ورزش را سیاسی نکنید»؛ بسم الله، دیدید خودشان بعد از جنگ اوکراین (۷) چه کار کردند با ورزش! ورزش بعضی از کشورها را تحریم کردند برای مسئله‌ی سیاسی؛ (۸) یعنی خودشان آنجایی که منافعشان اقتضا میکند، راحت از خطوط قرمز خودشان عبور میکنند، آن وقت آنجایی که ورزشکار ما با طرف صهیونیست مسابقه نمیدهد ایراد میگیرند.

خب، یک نکته‌ی دیگر هم من عرض بکنم و عرایضم را خاتمه بدهم. قهرمانهای ما و ورزشکارهای عزیز ما که در میدانها شرکت میکنند – چه میدانهای داخلی، چه میدانهای بین‌المللی – توجه داشته باشند که فقط داخل میدان نیست که آنها زیر دید دوربینند، [بلکه] در بیرون میدان هم زیر دید دوربینند؛ افکار عمومی، چشمهای مختلف، گاهی دلهای بدخواه، اینها را زیر نظر میگیرند برای اینکه بتوانند یک نقطه ضعف اخلاقی، یک نقطه ضعف عملی از اینها پیدا کنند تا آن پیروزی‌ای را که در میدان به دست آورده با آن از بین ببرند. در میدان پیروز میشود، در بیرون میدان دچار آفت میشود. [لذا] مراقب رفتارشان در خارج از میدان مسابقه هم باشند و بدانند که بایستی حیثیت خودشان و شرف خودشان و آبروی خودشان را حفظ کنند؛ هم آبروی خودشان را، هم آبروی ملت و کشورشان را. دام و دانه‌های زیادی پیش پای قهرمانهای ما گسترده میشود.

البته محیط ورزش در گذشته‌ی ما، آن قدیم، قبل از اینکه این ورزشهای غربی وارد کشور بشود، همیشه محیطهای دینی بود؛ ورزشهای باستانی و این زورخانه‌ها و این باشگاههای قدیمی باستانی که ما دیده بودیم، همه آراسته‌ی به نام خدا و نام ائمه و جنبه‌های دینی و اخلاقی بود. غربی‌ها سعی کردند با این ورزشهای جدید و پیشرفته‌ای که وارد کشور کردند، فرهنگشان را هم وارد کنند. خب وظیفه‌ی ما چیست؟ وظیفه‌ی ما این است که آن ورزش ابتکاری‌ای را که آن طرف به وجود آورده – مثل فوتبال، والیبال و بقیه‌ی ورزشهایی که هست؛ ورزشهای جمعی – یاد بگیریم، در اینها پیش برویم، حرفه‌ای بشویم اما فرهنگ او را نپذیریم، نگذاریم این پُلّی بشود برای فرهنگ غربی؛ فرهنگ خودمان را بر آن حاکم کنیم. این، آن جمله‌ی اساسی است که ما در باب ورزش بایستی مورد توجه قرار بدهیم.

به هر حال، من برای همه‌ی شماها دعا میکنم. این جوان عزیزمان گفت دعا کنید ما را؛ بله، من حتماً دعایتان میکنم و موفقیت‌های شما را، سعادت شما را، عاقبت‌به‌خیری شما را از خدای متعال مسئلت میکنم. از آن کسانی هم که در این زمینه‌ها تلاش کردند – از بانوان ورزشکار، از جوانان ورزشکار – و در میدانهای ورزشی معنویت را نشان دادند، هویت ایرانی و اسلامی را نشان دادند، صمیمانه تشکر میکنم و توفیقات همه‌ی آنها را از خداوند میخواهم. ان شاء الله ارواح مطهر شهدای ورزشکار و همه‌ی شهدا از ما راضی باشند و خداوند ما را هم به آنها ملحق بکند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقایان سیدحمید سجادی (وزیر ورزش و جوانان)، مهدی میرجلیلی (رئیس سازمان بسیج ورزشکاران) و علی داودی (قهرمان وزنه‌برداری) گزارشهایی ارائه کردند.

(۲) فیلم «مستطیل قرمز» به کارگردانی برادران حسن صیدخانی و حسین صیدخانی و تهیه‌کنندگی سیدعلیرضا سجادیپور و بر اساس داستانی واقعی از رشادتهای اهالی منطقه‌ی چوار ایلام در دوران دفاع مقدس و فاجعه‌ی بمباران زمین فوتبال چوار ساخته شده است.



- ۳) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۵۴
- ۴) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۶۹
- ۵) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۰: «... و برای کسانی که از پی ایشان هستند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین میشوند.»
- ۶) ناز و غرور بیش از اندازه داشتن
- ۷) درگیری نظامی دو کشور روسیه و اوکراین که از ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ تا کنون در جریان است.
- ۸) نفوذ و قدرت غربی‌ها در مجامع بین‌المللی باعث شد که تمام ورزشکاران روسیه و بلاروس که همکاری‌هایی با روسیه علیه اوکراین داشته، از کلبه‌ی رقابت‌های ورزشی بین‌المللی محروم شوند.